****

[ادامه بحث وقوف در عرفات با عامه 1](#_Toc488767164)

[کلام محقق خوئی 1](#_Toc488767165)

[نقد کلام محقق خوئی 2](#_Toc488767166)

[بررسی سیره شیعه در اعصار متاخره 2](#_Toc488767167)

[کلام آیت الله سیستانی در انکار اشتراک سیره زمان ائمه با زمان حاضر 3](#_Toc488767168)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

جلسه102 صحیح است

## ادامه بحث وقوف در عرفات با عامه

بحث در این بود که وقوف با عامه در روزی که مشکوک است که روز عرفه واقعی باشد یا یقین به خلاف وجود دارد، چه حکمی دارد؟

### کلام محقق خوئی

محقق خوئی به سیره زمان ائمه علیهم السلام تمسک کرد، چون 250 سال حکومت با اهل جور بوده، اما شنیده نشده که ائمه علیهم السلام، اصحاب خود را به احتیاط ترغیب کنند و بگویند وقوف با عامه مجزی نیست، با این که احتیاط ممکن بود، ولو به این مقدار که وقوف به مشعر را در روز یازدهم به نظر عامه درک کنند که نزدیک منی است ولو به این که چند قدمی در مشعر راه بروند و برگردند، ولی هیچ گاه چنین ترغیبی نشده و معهود از اصحاب ائمه علیهم السلام هم نمی باشد و لکن قدر متیقن از سیره زمانی است که احتمال موافقت با واقع برود، لذا اگر علم به خلاف حاصل شد، باید احتیاط کنند و وقوف در عرفه و لااقل وقوف به مشعر را درک کنند و اگر هم از درک هر دو موقف معذور باشند، حج، به عمره مفرده تبدیل می شود.

#### نقد کلام محقق خوئی

روشن نشد که ایشان اجزاء وقوف با عامه را حکم واقعی می داند یا حکم ظاهری؟ که اگر حکم ظاهری باشد و بعد کشف خلاف شود، طبعا حج مجزی نخواهد بود که ظاهرا همین طور باید باشد، زیرا موضوع را شک قرار داد، اما اگر حکم واقعی بداند، حج مجزی خواهد بود.

لذا این که آیت الله زنجانی فرموده بالاخره بعد از حج گاهی علم به خلاف حاصل می شده، اما در هیچ حدیثی گفته نشده که حج باید اعاده شود و معلوم می شود که اجزاء واقعی است و وقتی اجزاء واقعی شد، معلوم می شود که علم به خلاف مقارن با روز عرفه هم مضر نیست، به استناد همان سیره ای که بیان فرمود، و گرنه ایشان عمومات تقیه را دال بر اجزاء نمی داند.

این مطلب ناصواب است، زیرا؛

اولا: چنین نبوده که گاهی بعدا علم به خلاف پیدا می شده است.

ثانیا: تعدی ایشان از این که علم به خلافی که متاخر است، مبطل حج نیست به علم به خلاف مقارن با روز عرفه، بلاوجه است.

لذا چنین سیره مسلمی وجود نداشته و شواهدی هم دارد، فعلا این بحث را بر اساس تمسک به سیره دنبال می کنیم، و بحث از عمومات تقیه را سابقا بحث کرده ایم و گفته ایم مقتضی اجزاء نیست، ولی فعلا بحث از سیره داریم که به نظر ما وجود سیره مسلم نیست.

اگر ما وجود سیره در عصر اهل بیت را احراز کنیم و شرایط آن زمان نیز با شرایط ما واحد باشد، ما هم قائل به اجزاء خواهیم شد، اما اگر این دو احراز نشود، مشکل است، خصوصا که احراز اتصال سیره هم نمی شود که در ذیل به بررسی آن می پردازیم:

### بررسی سیره شیعه در اعصار متاخره

نوعا در کلمات قائل به عدم اجزاء وقوف با عامه هستند و معلوم می شود که احتیاط امر غیر متعارف و مستنکری نبوده است.

مرحوم میرحامد صاحب کتاب عبقات الانوار که سال 1382 ه ق حج مشرف شده می گوید: عامه روز هشتم ذی حجة را روز عرفه اعلام کردند، ولی ما نمی توانیم با آن ها وقوف کنیم، چون آن ها از مکه خارج شدند، ما هم پس از نماز عشاء محرم شدیم و اوائل شب به منی رسیدیم، برخی حجاج ایرانی در منی ماندند و ما قبل از طلوع آفتاب به عرفات رسیدیم، در آخرین لحظات امروز که روز هشتم شرعی است، اهل سنت عرفات را ترک کردند، اما حجاج ایرانی و هندی و همه پیروان مذهب امامیه در عرفات ماندند و با عامه به مشعر نرفتند.

فرهاد میرزا در سال 1392 ه ق به حج مشرف شده و می گوید: من روز پنجشنبه را اول ذی حجه می دانم، اهل شیعه از هر بلادی که حدودا 5 هزار نفر بودند از من استعلام کردند و گفتم من امروز به عرفات نمی روم و همه متابعت من کردند و کسی از مکه حرکت نکرد، بر خلاف اهل سنت که به عرفات رفتند.

### کلام آیت الله سیستانی در انکار اشتراک سیره زمان ائمه با زمان حاضر

در زمان بنی امیه و بنی عباس، راجع به امر هلال اهتمام داشتند، و لذا به مجرد شهادت یک یا دو نفر حکم به ثبوت هلال نمی کردند، بلکه می گفتند باید عدد کثیری شهادت به رویت هلال بدهند، بر خلاف نظر فعلی اهل سنت که تابع احمد بن حنبل هستند و با شهادت یک نفر هم هلال را ثابت می دانند، علاوه بر این که در خاندان آل سعود امور سیاسی هم دخیل در اعلام هلال است.

شاهد بر این اهتمام این است که سالم بن عبد الله از فقهاء بزرگ اهل سنت و محترم نزد ایشان در زمان ابراهیم بن هشام مخزومی که امیر الحاج و والی مکه بوده است، برای ابراهیم ماه ذی الحجة ثابت نشده بود، سالم عده ای را نزد ابراهیم برد که شهادت به ثبوت هلال دادند و ابراهیم نپذیرفت، ولی سالم یک روز زودتر برای وقوف، به عرفات رفت.

{البته ما این نقل را در هیچ تاریخی نیافتیم، اگر هم این نقل صحیح باشد، مهم نیست، زیرا ابراهیم بسیار جبار بوده و شاید با سالم لجبازی کرده باشد و این دلیل بر تشدید در امر هلال نیست.}

در عصر عباسی نیز سختگیری می کردند، ابو حنیفه در جو صاف می گوید 50 نفر باید حکم کنند به ثبوت هلال، و در آن زمان نیز تابع فقه حنفی بودند، بر خلاف زمان ما که تابع فقه احمد بن حنبل هستند که حتی اگر مستهلین زیاد بوده و جو صاف باشد و فقط دو نفر شهادت دهند، باز هم ثبوت ماه را اعلام می کنند.

یکی از شواهد تشدید در امر هلال در آن زمان، این روایت است که امام صادق علیه السلام در اول ماه رمضان که مردم شک داشتند، ولی برای امام ثابت بود، بر ابی العباس سفاح وارد شد که خلیفه اول عباسی بود، خلیفه گفت شما روزه ای و حضرت فرمود نه، و حضرت غذا میل فرمود و بیرون که آمد فرمود لان افطر یوما و اقضیه احب الی من ان یضرب عنقی، با این که برای امام علیه السلام روز اول ماه رمضان ثابت بوده (و یوم الشک اول ماه بوده نه آخر ماه، و گرنه مردم روزه می گرفتند) اما برای خلیفه ثابت نشده بوده، چون در امر هلال سختگیری می کردند و به این زودی برایشان هلال ثابت نمی شد.

لذا حتی یک روایت نداریم که از ائمه سوال شده باشد که اختلف الموقف، پس چه بکنیم؟ و معلوم می­شود هیچ گاه اختلاف موقف پیشامد نمی کرده، و گرنه حتما از ائمه علیهم السلام سوال می شد، در حالی که بسیاری از مسائل فرضی حج را سوال می کرده اند و این نشان می دهد اصلا چنین اختلافی پیش نمی آمده و این عدم اختلاف تا زمان فقهاء نیز ادامه داشته و لذا شهید ثانی به عنوان حکم فرضی می گوید اگر حکم قاضی عامه در وقوف خلاف واقع باشد، مجزی نیست و احکام مصدود بر او بار می شود و همچنین صاحب جواهر و شیخ انصاری که قائل به عدم اجزاء هستند.